



فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین

Print ISSN: 2717- 1469
Online ISSN: 2717 - 1477

نمایه در ISC.Noormags ,SID
GoogleScholar .Ensani .Magiran

www.jaml.ir

سال سوم، شماره یازدهم،

صفحات ۶۲-۷۴

تنظیم خانواده در اسلام با نگاهی به قواعد فقهی و اصول عملی

دکتر حقوق خصوصی، استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، خراسان رضوی، ایران.

دکتر سید جواد خاتمی

دکتر حقوق خصوصی، استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، خراسان رضوی، ایران.

دکتر موسی حکیمی صدر

چکیده

افزایش نفوس و زیادی مسلمانان یک امر مطلوب و پسندیده‌ای است و زیادی آن موجب برکت و فراوانی شمرده میشود و کشورهای پرجمعیت کشورهای خوشبختی به حساب می‌آیند اما همین رجحان زیادی اولاد و افزایش نفوس، در سطح امت اسلامی مورد عنایت است. ولی در سطح خانواده‌ها متفاوت است ممکن است برای بسیاری از خانواده‌ها که شرایط مساعدی برای رشد و بالندگی خود و فرزندانشان دارند رجحان داشته باشد. چرا که دریافته اند که مبانی فلسفی و اوامر اخلاقی و احکام فقهی شریعت اسلام بازدیادنسل بصورت کلی و در شرایط عادی نظر موافق دارد. و با امر به تلاش و کوشش و کسب و کار حلال خانواده مسلمان رابه داشتن و پرورش اولاد بیشتر توانا تر می‌سازد. اما نسبت به بسیاری از خانواده‌ها که امکانات لازم را دارا نیستند و توانایی این را ندارند که در حد مطلوب از عهده پرورش فرزندان خود برآیند و معتقدند که تنظیم خانواده نقش بسزایی در بهبود کیفیت زندگی زنان و پرداختن به آموزش و شرکت در فعالیتهای اجتماعی و استراحت و تفریح و توجه به امور معنوی و مراقبت و رسیدگی بیشتر به فرزندان دارد. این رجحان مورد تردید و شک واقع می‌شود.

واژگان کلیدی: تنظیم ، تنظیم خانواده در اسلام ، قواعد فقهی ، اصول عملیه.

طبقه‌بندی JEL: فقه - حقوق - جزا و جرم شناسی - حقوق بین الملل - حقوق خصوصی



مسئله تنظیم خانواده از دو نگاه درخور توجه است که اهمیت پژوهش را روشن تر می سازد. نخست از نقطه نظر ملی و حتی جهانی و بین المللی، بدین معنا که بدانیم موضوع تنظیم خانواده چگونه به وجود آمده و دلیل پیدایش آن چیست. با نگاهی به مباحث مطرح در علوم مربوط به جمعیت و آمارها یی که در خصوص روند رشد جمعیت منتشر شده است دانشمندان نظریات مختلفی را در طول ادوار بیان کرده اند. عده ای نگران رشد بی رویه جمعیت هستند، و برای برطرف کردن این نگرانی، راه حل هایی برای مبارزه با روند رشد جمعیت پیشنهاد می کنند. و عده ای دیگر رشد جمعیت را یک روند طبیعی برای انسان می دانند و راه حل مشکلات پدید آمده از رشد جمعیت را در جاهای دیگر بررسی می کنند. همه نقطه نظرات و اختلافها حول این محور بوده و هست که رقم جمعیت چه تأثیری در اوضاع اقتصادی و بهبود وضعیت معیشتی و رفاه مردم دارد.

زمانی طولانی افزایش جمعیت مورد نظر بود و زیادی آن، موجب برکت و فراوانی شمرده می شد. و کشورهای پر جمعیت و خانواده های این چنینی، کشورها و خانواده های خوشبختی به حساب می آمدند، که از سوی حکومتها زاد و ولد بیشتر تشویق و ترغیب می شد این عقیده تا پایان قرن هیجدهم عقاید رایج بود،

ولی پس از اشاعه عقاید یکی از دانشمندان انگلیسی، به نام توماس رابرت مالتوس بدبینی خاصی پدیدار شد، زیادی جمعیت را دلیل فقر، فساد اخلاق و بدبختی انسانها قلمداد کردند و حتی از امکان نابودی و نیستی بشریت سخن گفتند.

دانشمندان جمعیت شناس معتقدند که بین سالهای هزار و نهصد و شصت تا سال دوهزار میزان ازدیاد جمعیت طی چهار دهه از کل جمعیت کره زمین طی قرن ها از بدو پیدایش بیشتر بوده است. (مقدمه دکتر حسین پیرنیا درآمدی بر اندیشه ها و نظریات نظریه های جمعیت شناسی احمد کتابی صفحه ۲۰)

در ریشه یابی این رشد جمعیت این مطلب آشکار است که دو متغیر جمعیتی یعنی باروری و مرگومیر نقش عمده ای در افزایش جمعیت جهان و بطور اخص ایران دارد. تا همین سالهای اخیر زیادی باروری با زیادی مرگومیر بی اثر می شد. اما احاطه انسان بر قحطیها و بیماریها و به وجود آمدن رفاه نسبی، در تاریخ رشد جمعیت بشر، نقش بسزایی ایفا کرده است. به طوری که امروزه زیادی جمعیت معضلی برای کشورها، مخصوصاً کشورهای توسعه نیافته یا در حال توسعه شده است از یک سو رشد شتابان جمعیت، و از سوی دیگر، کمبود امکانات و منابع برای سرمایه گذاری جهت تسریع در روند توسعه و پیشرفت، کشورها کنترل جمعیت را یا



تحصیل بودند و بالطبع قشر عظیمی از جامعه از دخالت در کارهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بدور بودند ولی اکنون به برکت انقلاب اسلامی خیل زیادی از دختران و زنان این کشور در مدارس، دانشگاه‌ها و سایر مؤسسات و نهادها و ادارات کشور مشغول تحصیل و خدمت هستند بنابراین امر تنظیم خانواده خودبه‌خود ذهن بسیاری از مردم را به خود جلب می‌کند. اینان مسلمانان متعهدی هستند از یک طرف می‌بینند تنظیم خانواده، ناجی و بهبود بخش زندگی است، تاثیر بسزایی بر کیفیت زندگی سلامت خانواده، بهرمنند شدن از سطح زندگی بالا در درون خانواده و استفاده بهتر از توانایی‌های اعضای خانواده، مشارکت بهتر و فعال‌تر در امور اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خصوصاً کسب و فراگیری دانش دارد. متقابلاً دریافته‌اند که مبانی فلسفی و عوامل اخلاقی و احکام فقهی شریعت اسلام، با ازدیاد نسل نظر موافق دارد قرآن کریم با بشارت (نحن نرزقکم) انعام آیه ۱۵۰ انسان را به تأمین روزی از جانب قادر متعال مطمئن ساخته و او را از نگرانی املاق رها کرده است. مزمت ثروت‌اندوزی (توبه آیه ۳۴) و نهی از تجمل، اسراف و تبذیر (اعراف آیه ۳۱) و منع آلودگی‌ها و بی‌بندوباری‌های اخلاقی و جنسی (بقره آیه ۶۰) از یک طرف و امر به سعی و کوشش و کسب‌وکار حلال از طرف دیگر خانواده مسلمان را به داشتن و پرورش اولاد بیشتر

به تعبیر کامل‌تر تنظیم خانواده را به‌عنوان یک راه‌حل در جهت کنترل جمعیت در پیشبرد توسعه پذیرفته‌اند.

نگاه دوم، نگاه به مجموعه خانواده است، با ارتقاء سطح بهداشت جسمی و روانی خانواده، مخصوصاً زن، که تقریباً نیمی از جمعیت هر جامعه‌ای را تشکیل می‌دهد از جمله اهداف تنظیم خانواده است. تنظیم خانواده نقش بسزایی در بهبود کیفیت

زندگی زنان، افزایش اوقات فراغت آنها، برای پرداختن به آموزش، شرکت در فعالیت‌های اجتماعی، استراحت، و تفریح، و پرداختن به امور معنوی و عبادت و مراقبت و رسیدگی بیشتر به فرزندان، که در سایه آن کلیه شئون اقتصادی، اجتماعی سیاسی، فرهنگی و تربیتی، کشور تحت‌الشعاع قرار می‌گیرد.

اینها همه زمانی است که شرایط فکری، فرهنگی و اقتصادی مردم، مخصوصاً در کشور ما با گذشته فرق‌های زیادی کرده است.

در گذشته، خصوصاً در دوره قبل از انقلاب اسلامی تعداد کمی از دختران این کشور مشغول



توجه به مستندات اصالت الاباحه (انوار الاصول ناصر مکارم شیرازی چاپ اول ۱۴۱۶) این قاعده هم شامل شبهات حکمیة می شود هم موضوعیه،

این که حکم مسئله برای مکلف مجهول است منشأ آن، یا عدم بیان، از طرف شارع است یا این که بیان از طرف شارع وجود دارد به علی برای مکلف اجمال حاصل شده و مبهم است یا این که بین ادله تعارض است.

در مورد بحث اصل تکلیف و حکم تنظیم خانواده برای متشرع ابهام و اجمال دارد نه ازین جهت که از طرف شارع بیانی نرسیده بلکه روایات متعددی است در جهت مخالفت با تنظیم خانواده و کنترل نسل که حداقل آن این است که کثرت اولاد و به وجود آوردن فرزند زیاد، مستحب است. از طرفی روایات دیگری است که نقطه مقابل آن روایات است و موافقت خودش را با تنظیم خانواده و کنترل نسل بیان می کند این است که برای مکلف اجمال به وجود می آورد و موجب ابهام حکم و اصل تکلیف می شود مبنی بر این که آیا تنظیم خانواده و کنترل نسل جایز است یا جایز نیست اصالت الاباحه می گوید اصل اولیه در هر چیز اباحه و جواز است بنابراین اصل

توانا تر می سازد. (درآمدی بر اندیشه ها و نظریه های جمعیت شناسی ص ۲۶)

اینجاست که انسان مسلمان بر سر دوراهی قرار می گیرد و دچار تردید و شک می شود. بنابراین وظیفه داریم، روشن کنیم که تنظیم خانواده در قالب کدام یک از احکام الهی می گنجد و مشروعیت و مشروعیتش را از لابه لای احکام و دستورات دین بیابیم نکته ای که در این نوشتار قابل دقت است این که آنچه در این نوشتار درصدد تبیین آن هستیم تنظیم خانواده در چارچوب زندگی شخصی و فردی است با نگاه به قواعد فقهی و اصول عملیه اسلام.

۱- قواعد فقهی

الف (قاعده اصاله الاباحه) (مختلف الشیعه جلد ۷ صفحه ۱۱۲ علامه حلی مکتب الإعلام الاسلامی ۱۳۱۷)

نخست این قاعده را معنا و جایگاه آن را در فقه بیان می کنیم و سپس استفاده از آن را در موضوع تنظیم خانواده توضیح می دهیم. هر گاه در حلال یا حرام بودن عمل یا چیزی تردید کنیم اصل اباحه جاری می شود و می گوید حلال است و عمل به آن جائز است. مثل این که حرمت استعمال دخانیات و شرب توتون را ندانیم در قرآن کریم و روایات هم آیه یا روایتی بر حرمت آن نیافتیم، این جا اصالت الاباحه و اصالت الحلیه جاری می شود و حکم به جواز آن می دهد. با



گونه‌ای که در آن جا موجود نباشد. پس رفع حرج در لغت به معنی برطرف نمودن تنگنایی و دشواری است، به نحوی که وجود نداشته باشد.» (لسان العرب ماده رفع)

رفع حرج در اصطلاح فقها

رفع حرج در اصطلاح فقها به معنی آسان گرفتن بر مکلفین است به وسیله خطابات، به منظور دور نمودن سختی و تنگنایی از ایشان در تکالیف شرعی. آیه ۷ سوره مائده اشاره دارد ما یرید الله لیجعل علیکم فی الدین من حرج یعنی خداوند نمی‌خواهد که شما را در تنگنایی قرار دهد یا آیه ۷۷ سوره حج و جاهدوا فی الله حق جهاده واجتبا کم و ما جعل علیکم فی الدین من حرج (چنان که باید در راه خدا تلاش کنید او شما را از بین امم برگزید خداوند برای شما در دین هیچ گونه حرجی قرار نداده) یعنی بر شما آنچه را که شما را در تنگنایی و دشواری واقع سازد واجب نکرده است.

کاربرد و زمینه اجرای قاعده لاحرج

انواع و اقسامی که برای قاعده متصور است چهار قسم است که یک مورد آن به محل بحث مربوط است

۱- عسر و حرج به معنی انجام عمل در حدی که از توان مکلف خارج است و انسان قادر به انجام دادن آن نیست مثل پرواز انسان در حالت عادی

اباحه می‌تواند یکی از مستندات و دلایل تنظیم خانواده باشد.

ب) قاعده نفی عسر و حرج

گاهی چنان عرصه زندگی بر آدم تنگ می‌شود و فشارهای روحی و جسمی انسان را در تنگنا قرار می‌دهد، که همه چیز از انسان سلب می‌شود در انجام تکالیف الهی با مشقات و سختی روبرو می‌شود، که قدرت انجام آن را ندارد باید دید در این موارد قاعده عسر و حرج می‌تواند کارساز باشد یا خیر.

معنی عسر، حرج و رفع

از جستجو در کلمات اهل لغت چنین برمی‌آید که حرج به معنای تنگنایی و ضیق است. (لسان العرب ماده حرج)

معنی عسر: عسر به معنی تنگنایی و شدت و سختی است و ضد یسر است. (القواعد الفقهیه ناصر مکارم صفحه ۱۷۶) سیجعل الله بعد عسر یسری (طلاق آیه ۷) یعنی خداوند بزودی پس از سختی آسانی قرار می‌دهد یا فان مع العسر یسری ان مع العسر یسری سوره (شرح آیه ۵) همانا با سختی دو آسانی است. **معنی رفع:** رفع در لغت ضد وضع است رفع شی بدین معناست که آن را از جای خودش بردارند به



است که آیا دایره قاعده عسر و حرج شامل احکام مستحبی هم می شود؟ به فرض این که قاعده مشمول مندوبات هم بود شارع ما را به عنوان یک امر مندوب امر می کند که به دنبال کثرت اولاد بروید، از طرفی زیادی فرزند موجب عسر و حرج است، در حال حاضر شرایط زندگی مردم طوری است که توانایی داشتن فرزندان زیاد و بیش از متعارف را ندارند.

زیرا اگر بخواهند فرزندان ایده آل که مورد نظر اسلام است داشته باشند باید شرایط زندگی مساعدی داشته باشند که از عهده تربیت و مخارج آن ها برآیند. با شرایط معیشتی سختی که امروز بر زندگی مردم حاکم است، اگر بخواهند فرزندان زیادی داشته باشند و آن ها را با شرایط خوب و دستورات اسلام جهت رعایت بهداشت و تغذیه کامل و برخورد محبت آمیز و پر از صفای پدر و مادر با کودک و فراهم کردن زمینه رشد فکری و تکامل علمی و

سرمایه گذاری فوق العاده برای فرزندان تا رسیدن به این حد از بلوغ علمی، بدون شک دچار سختی و تنگنای طاقت فرسایی می شوند. اگر شبانه روز را هم کار کنند نمی توانند این گونه شرایط را فراهم کنند، بلی مگر انسانی باشد، که وظیفه اش، صرفاً به دنیا آوردن فرزندان باشد و غذای بخور و نمیری برای آن ها فراهم کند و بعد از آنکه توانستند گلیم خود را از آب بیرون بکشند آن ها را رها کنند به تربیت و رشد علمی

به آسمان. فرهنگ تشریحی اصطلاحات اصول (صفحه ۲۷۷)

عسر و حرج در حدی است که انجام دادن و عمل و تکلیف موجب اختلال نظام است.

۳- کارها و تکالیفی که انجام آن موجب ضرر و زیان مالی جانی و یا عرفی بر مکلف است

۴- کارها و اعمالی که با مشقت و سختی همراه است و انسان را در تنگنا قرار میگیرد.

مرکز بحث در قاعده لا حرج قسم چهارم از اقسام فوق الذکر است یعنی افعال حرجیه ای که به حد مالایطاق نرسد و موجب اختلال نظام نشود و دربرگیرنده ضرر نیز نباشد. صرفاً اعمالی که انسان در انجام آن ها متحمل سختی و مشقت شود، که عرفاً تحمل آن سخت و رنج آور باشد.

استفاده از دلیل لا حرج در جهت تنظیم خانواده :

اگر برای ما اثبات شد که کثرت اولاد یک تکلیف است در حد استحباب ، چون هیچ فقیهی نگفته است که زیاد کردن اولاد بر هر فرد مسلمان واجب است و یک تکلیف الزامی است ،سوال این



صفحه ۵۰ ناصر مکارم) برخی آن را معادل ضیق معنا کرده‌اند لاضرر یعنی هیچ تنگنایی وجود ندارد یعنی هیچ حکمی که انجام آن ضرر و تنگنایی برای مکلف دربرداشته باشد وضع نشده است

اما ضرار :

کلمات فقها در این خصوص متفاوت است فشرده سخن این که، از آنجایی که ضرار مصدر باب مفاعله است و این باب مبین اعمال طرفینی است. بنابراین ممکن است منظور از ضرار ورود ضرر از دو جانب باشد. ولی مرحوم آخوند می گوید ضرر و ضرار هر دو به یک معناست و ضرار تاکید ضرر است. (کفایت الاصول جلد ۲ صفحه ۲۶۶) و برخی این دو را به یک معنا گرفته‌اند و با یک تفاوت اندک و آن این که، غالب استعمالات، ضرر مالی یا جانی است ولی کاربرد ضرار، در تضییق، اهمال، حرج، سختی و کلفت، شایع است. (تهذیب الاصول جلد ۳ صفحه ۹۴)

و همین طور از بررسی کتب فقه و اصول به دست می‌آید که، ضرر، ممکن است از ناحیه دیگری باشد، یا از ناحیه خود انسان، همین طور مراد از ضرار در روایت رفتار و عمل مکلف است، و نفیی که بر فعل مکلف وارد شده ظهور در حرمت آن دارد، و در نتیجه مفاد قسمت دوم روایت، تحریم زیان رساندن، می باشد و زیان

آن‌ها کاری نداشته باشند که البته اسلام چنین کثرتی را انتظار ندارد. از طرفی اگر قرار باشد مادری هر دو سال یکبار فرزندی به دنیا آورد زندگی برای او سخت و ضیق خواهد شد اینجاست که قاعده لا حرج بر آن حکم ندبی حاکم می‌شود و تعداد فرزندان را تا آن جا که موجب عسر و حرج نشود و بتواند از عهده مسئولیت آن‌ها برآید در سطح متعارف و متعادل تعیین می کند

قاعده لاضرر ولا ضرار:

یکی دیگر از قواعدی که فقها آن را در جا جای فقه به کار برده‌اند و می‌برند و مورد استفاده علمای اسلامی واقع می شود قاعده لاضرر ولا ضرار است که این قاعده در روایتی از پیامبر بزرگوار اسلام (ص) در قضیه سمره بن جندب روایت شده در حد تواتر این روایت بین سنی و شیعه مورد استناد قرار گرفته است (کفایه الاصول. جلد ۲ صفحه ۲۶۵ و مصباح الاصول ص ۵۱۸)

از بررسی کلمات اهل لغت بدست می‌آید که ضرر خلاف یا ضد نفع است (القواعد الفقیه



جبران نباشد، که برخی این نوع عقیم‌سازی را برای مرد یا زن حرام دانسته‌اند.

زیرا این عمل از مصادیق ضرر زدن به نفس است، که از محرّمات شرعی است. البته عمومیت حرمت ضرر زدن به نفس به گونه‌ای مطلق از نظر شرعی روشن نیست همچنین عمل عقیم‌سازی به‌عنوان نمونه‌ای از این عموم نیز قطعی نیست (فقه اهل‌بیت شماره ۸ محمد مؤمن

د) اصالة البرائة

اصل دیگری که می‌تواند بر آن در جهت تنظیم خانواده استدلال کرد اصل برائت است که یکی از اصول عملی اسلام است. و آن در مواردی جریان دارد که مکلف نسبت به اصل تکلیف تردید داشته باشد پس در موضوع اصل برائت شک در تکلیف اخذ شده است. شک و تردید مذکور یا وجوبی است و یا تحریمی هر یک از آنها یا حکمیه اند یا موضوعیه.

شبهه حکمیه: در جایی که حکم یک موضوع نامشخص باشد به آن شبهه حکمیه گویند مثل این که نمی‌دانیم سیگار کشیدن حرام است یا خیر

شبهه موضوعیه: هر گاه حکم کلی یک موضوع مشخص باشد ولی تردید در موضوع

رساندن فراگیر است و موردی را که ضرر از جانب مکلف بر خودش وارد شود نیز، دربر می‌گیرد لازم به ذکر است که جمله لا ضرار تنها بر نفی ضرر در چارچوب قوانین شرعی دلالت دارند، و برگشت این قاعده بر نفی احکامی است که مستلزم ضرر باشد، نظیر وضو یا هر چه ضرری، لیکن بر حرمت تحمل ضرر دلالت ندارد (فقه اهل‌بیت شماره ۸ زمستان ۱۳۷۵ محمد مؤمن)

وجه استدلال؛

سخنی که این‌جا قابل طرح است این است، که می‌توان از این قاعده به این شکل استفاده کنیم، که اگر بارداری برای زن ضرر و زیان داشته باشد، مثل این که ناراحتی قلبی دارد که طبق تشخیص پزشک حامله شدن بیماری او را تشدید می‌کند و زن را در مرحله خطر قرار می‌دهد، بگوییم قاعده لاضرر ولا ضرار استحباب زاد و ولد یا اباحه آن را برمی‌دارد و حامله شدن را برای او حرام می‌کند، و راه‌های جلوگیری را بر او واجب می‌گرداند. البته قابل ذکر است که بگوییم کاربرد این قاعده در رابطه با روش‌های پیشگیری از حامله شدن زن است که از روش‌های پیشگیری این است که زن یامرد خودش را به خاطر تنظیم خانواده عقیم کند این عقیم‌سازی آیا مشمول قاعده لاضرر ولا ضرار قرار می‌گیرد یا نه آیا انسان حق دارد عضوی از بدن خودش را از بین ببرد به طوری که قابل



۴-شبهه حکمیه وجوبیه بعلت فقدان نص ، مثل این که نمی‌دانیم آیا صدقه دادن در اول هر ماه واجب است یا خیر ؟

۵-شبهه حکمیه وجوبیه بعلت اجمال نص ، مثل این که نمی‌دانیم غسل جمعه واجب است یا مستحب چون شک داریم آیا هیأت امر دلالت بر وجوب می کند یا استصحاب

۶-شبهه موضوعه یا وجوبیه مثلاً می‌دانیم احترام گذاردن به دانشمندان واجب است اما نمی‌دانیم حسن دانشمند است یا خیر ؟

به نظر می‌رسد که مورد بحث ما از قبیل قسم اول باشد یعنی شبهه حکمیه تحریمیه چه از نوع برائت شرعی باشد و یا عقلی. زیرا تنظیم خانواده به‌عنوان یک تکلیف، حکمش بعلت نبودن دلیل و فقدان نص برای ما مجهول است، که آیا حرام است یا غیر حرام زیرا هیچ دلیلی بر حرمت تنظیم خانواده وجود ندارد و دلایل ذکر شده در باب تشویق و تأکید بر ازدواج و زیادی نسل نمی‌تواند دلیل حرمت تنظیم خانواده باشد بعلاوه حلال بودن عزل بر اساس روایات جواز عزل و سایر روایاتی که قبلاً ذکر شد می‌تواند دلیل بر تنظیم باشد و مقابله می‌کند با دلایل ذکر شده در باب تشویق بر ازدیاد نسل، به فرض که این

خاص پیدا شده باشد به آن شبهه موضوعیه گویند. مثل این که معلوم است شرب مشروبات الکلی حرام است، اما نمی‌دانیم این مایع مقابل من، مایع است یا جزء مشروبات الکلی است (فرائد الاصول چاپ اول ۱۳۷۵ جلد ۱ صفحه ۳۷۹) در هر صورت شک در حکمیه یا موضوعیه یا شک در وجوب است یا حرمت و در تعیین وجوب یا حرمت، علت شک یا فقدان نص است و یا اجمال نص و یا تعارض نصوص، در نتیجه صورت شک هیجده عدد می‌شود. که درشش صورت آن (مواردی که علم اجمالی به اصل تکلیف باشد) اصالت التاخیر جاری است و دوازده مورد دیگر جای اصاله البرائت است.

مهم‌ترین موارد جریان اصل برائت عبارت است از:

۱-شبهه حکمیه تحریمیه بعلت فقدان نص و نبودن دلیل مثل این که نمی‌دانیم سیگار کشیدن حرام است یا نه چون دلیل بر حرمت و یا عدم حرمت نداریم.

۲-شبهه حکمیه تحریمی بعلت اجمال نص

۳-شبهه موضوعی تحریمیه مثل این که دلیل می‌گوید فقاع حرام است و می‌دانیم که مایع الشعیر همان فقاع است. اما تردید، در این است که مایع موجود همان مالمشعیر است یا خیر ؟



عهدۀ فرزندان متعدّد، برنمی آیند عقل سلیم و رهنمودهای معصومین آن ها را ارشاد می کند که در حد توان خود دست به تولید فرزند بزنند.

سیاسگزاری

از معاونت محترم پژوهشی به خاطر حمایت حمایت معنوی در اجرای پژوهش حاضر سیاسگزاری می شود.
از آقای دکتر عبدالله علیزاده به خاطر بازبینی متن مقاله و ارائه نظرهای ساختاری تشکر و قدردانی می شود.
از داوران محترم به خاطر ارائه نظرهای ساختاری و علمی سیاسگزاری می شود.

نگارندگان بر خود لازم می دانند از آقای دکتر محمد رسول آهنگران به خاطر مطالعه متن مقاله حاضر و ارائه نظرهای ارزشمند سیاسگزاری نمایند.

الف) کتاب

- الکرکی علی بن الحسین ۱۴۱۱ جامع المقاصد فی - شرح القواعد مؤسسه آل البیت.
- آخوند خراسانی کفایت الاصول جلد صفحه ۲۶۵ و ۲۶۶.
- الموسوی الخوئی ابوالقاسم ۱۴۱۷ مصباح الاصول - مکتبه الراوری.
- بهنام جمشید جمعیت شناسی عمومی ۱۳۴۶.
- سبحانی جعفر تهذیب الاصول جلد اسماعیلیان.
- صانعی سیدمهدی ۱۳۷۸ پژوهشی در تعلیم و تربیت دانشگاه فردوسی مشهد.
- قائمی علی تشکیل خانواده در اسلام نشر دانش اسلامی بی تا.

حلیت عزل و سایر روایاتی که دال بر قلت عايله و فرزندان بود ثابت نشود و نارسا باشد باز حکم مسئله به شکل مشکوک باقی می ماند و اصل شرعی در این جا براءت از حکم تکلیف الزامی است. و اصالت البرائه در این جا عرض اندام می کند و به عنوان یکدلیل قابل طرح است.

نتیجه:

از آنچه تاکنون ذکر شد با توجه به آیاتی که از قرآن در جهت حمایت از تنظیم خانواده بیان شده است و همین طور روایاتی که دلالت بر جواز (عزل) می کند و نیز روایات و احادیثی که قلت اولاد را ستایش می کند و با عنایت به فتاوی فقها و مراجع اعظام در رساله های عملیه علی رغم تاکیدها و سفارش های مکرر در رابطه با افزایش نسل واجب نبودن آن مسلم و بی تردید است بلکه برای انسان جایز است که بطور کلی از داشتن فرزند خودداری کند و یا به هر تعداد که می خواهد فرزند داشته باشد و اسلام همیشه و در همه مراحل زندگی، طرفدار اعتدال و میانه روی است و از افراط و تفریط، بشدت نکوهش کرده است بنابراین ممکن است خانواده هایی توانایی داشتن فرزندان متعدّد باشند و از عهدۀ تربیت آن ها برآیند، بدون شک برای آن ها چه نیکوست که هرچه بیشتر فرزند، داشته باشند فرزندان صالح، پاک دانشمند و آراسته به ارزش های انسانی و الهی و خانواده ها زیادی هستند که از



- مکارم شیرازی ناصر ۱۴۱۶ انوار الاصول مدرسه
الامام امیرالمؤمنین.

- کتابی احمد ۱۳۷۷ درآمدی بر اندیشه‌ها و
نظریه‌های جمعیت‌شناسی پژوهشگاه علوم انسانی.



Scientific Journal of Modern
Jurisprudence and Law

Print ISSN: 2717- 1469
Online ISSN: 2717 - 1477

Profile in ISC, SID, Noormags,
Magiran, Ensani, GoogleScholar
www.jaml.ir
Second Year, Issue 11
, Pages 62-74

Family planning in Islam with a look at jurisprudence and practical principles

Dr. Seyed Javad Khatami

PhD in private law, assistant professor and faculty member of Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Razavi Khorasan, Iran.

Dr. Musa Hakimi Sadr

PhD in private law, assistant professor and faculty member of Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Razavi Khorasan, Iran.

Abstract

An increase in the number and number of Muslims is a desirable and desirable thing, and its increase is considered a blessing and abundance, and populous countries are considered to be happy countries, but the same preference for a large number of children and an increase in the number of people is provided at the level of the Islamic Ummah. But it is different at the level of families, it may be preferred for many families who have favorable conditions for the growth and development of themselves and their children, because they have found that the philosophical, moral, and jurisprudential foundations of the Islamic Sharia agree with the increase of generations in general and under normal conditions. It makes the Muslim family more able to have and raise more children by making efforts and efforts and hard work. But compared to many families who do not have the necessary facilities and do not have the ability to adequately raise their children, they believe that family planning plays a significant role. In improving the quality of life of women and paying attention to education and participation in social activities, rest and recreation, paying attention to spiritual matters and caring for children, it has more importance. This tendency is doubted.

Key words: regulation, family regulation in Islam, legal rules, practical principles.

JEL Classification: Jurisprudence - Law - Criminal and Criminology - International Law - Private Law

* Corresponding author: Sadr1885@gmail.com